

## چگونگی کاربرد نشانه‌های بینامتنی از دیدگاه ژنت در داستان گفت‌وگوی جادوگر بزرگ با ملکه‌ی

### جزیره‌ی رنگ‌ها

#### چکیده

داستان آغاز یک گفت‌وگو است، و شاید ادامه‌ی گفت‌وگوهایی که سال‌ها و گاه قرن‌ها پیش آغاز شده‌اند. تردیدی در حضور آگاهانه و ناخودآگاه متون در یکدیگر نیست. بینامتنیت عنصر جدایی‌ناپذیر دنیای داستان است. در داستان مورد بررسی در این پژوهش، با انبوهی از عناصر بینامتنی روبه‌رو هستیم که در ساختار داستان با رویکردی ویژه جای گرفته‌اند. این پژوهش در پی آن است که به این پرسش‌ها پاسخ دهد که با توجه به فرم‌گرایی خانیان و شگردهای او در کارکرد نشانه‌های بینامتنی، این ویژگی در این داستان چگونه به کار گرفته شده و در ساختار آن چه جایگاهی دارد؟ و آیا می‌توان بینامتنیت را در گستره‌ی گفتمان‌های درون این داستان، مورد بررسی قرار داد و به نگاهی ویژه در کارکرد بینامتنیت رسید؟

بر اساس یافته‌های این پژوهش، که به شیوه‌ی استقرایی انجام شد؛ عناصر بینامتنی در ساختار اصلی این داستان حضور دارند و بدون آن‌ها طرح اصلی داستان ناتمام می‌ماند. نویسنده عناصر بینامتنی را از زاویه دید خود و با هویتی تازه تا حدی که به نوعی بازآفرینی نزدیک می‌شود، وارد دنیای برساخته‌ی داستان کرده است. نشانه‌های بینامتنی در این رمان، وجه دراماتیک و کنشگر دارند. شخصیت‌ها، داستان‌ها، نقاشی‌ها و هرآنچه دنیای بینامتنی این اثر را می‌سازند به هستی و گاه هویتی تازه در کنار شخصیت‌های درون متن رسیده‌اند.

کلیدواژه: رمان نوجوان، بینامتنیت، ژرار ژنت، گفت‌وگوی جادوگر بزرگ با ملکه‌ی جزیره‌ی رنگ‌ها، جمشید خانیان.

#### ۱. مقدمه

«تو به حافظه‌ی دنیای رؤیاها قدم نهاده‌ای چگونه می‌خواهی این مکان را ترک کنی؟ (داستان بی پایان، میسائیل انده<sup>۱</sup>)» این جمله‌ی آغازین *گفت‌وگوی جادوگر بزرگ با ملکه‌ی جزیره‌ی رنگ‌ها* است، که افزون بر ارتباط پنهانی که با ساختار این داستان دارد، خودآگاه یا ناخودآگاه بخشی از نگرش خانیان به دنیای داستان و بینامتنیت را بیان کرده است. بیشترین تأکید روی ترکیب «حافظه‌ی دنیای رؤیاها» است و البته حتا نام داستانی که این جمله از آن، پا به داستان خانیان گذاشته است؛ *داستان بی پایان*.

---

<sup>1</sup> Michael Ende

وقتی از حافظه‌ی دنیای رؤیاها حرف می‌زنیم انگار به ساختار در زمانی رؤیا و داستان باور داریم، یا به نوعی زیست، تداوم، تکرار و زایش دوباره‌ی رؤیاها در طول تاریخ. اگر با این نگاه بیندیشیم که داستان، آغاز یک گفتگوی بزرگ و جادویی است؛ گفت‌وگوی نویسنده با مخاطب، شخصیت‌های درون متن، شخصیت‌های داستان با مخاطب و البته گفت‌وگوی داستان با داستان‌های دیگر؛ و حتا گفت‌وگوی رؤیاهای آدمیان در طول تاریخ،

آن‌گاه ورود دیگر متن‌ها به متن اصلی و آنچه از آن با عنوان بینامتن<sup>1</sup> یاد می‌کنیم، نه تنها غریب نیست؛ بلکه در ساختار و تار و پود هر روایتی قرار می‌گیرد. نویسنده در ساختار این اثر، که حتا نام آن بر محور گفت‌وگو است؛ توجه ویژه‌ای به کارکرد بینامتنیت دارد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که «بینامتنیت» به مرور، گستره‌ها و معناهای گوناگون و متفاوتی را برتابیده است. تا جایی که گاه تعاریفی که از مفهوم بینامتنیت ارائه می‌شوند، می‌توانند دیگری را پس بزنند. اکنون بر این باورم که بینامتنیت، هرچند از دید نظریه پردازان زبان و ادبیات، در قالب‌ها و رویکردهای مشخصی می‌تواند در متن رخ بنماید؛ اما همواره متن و نویسنده می‌توانند این مفهوم را به شکلی «خودی» و اهلی شده در تار و پود داستان بنشانند. منظور این است که عناصر بینامتنی درست از لحظه‌ای که با فرم و احساسی تازه، از یک زاویه دید جدید در متن قرار می‌گیرند؛ می‌توانند هویت دیگری یابند و زوایای جدیدی از آثار هنری پیشینیان را نشان بدهند.

بینامتنیت در این رمان نوجوان، گفتمانی است که یکسویه نیست. با توجه به بسامد بالای عناصر بینامتنی در این داستان، گویی بینامتنیت شبکه‌ای از خرده روایت‌ها در متن ایجاد کرده است. و گاه نشانه‌های بینامتنی، خود به رمزهای جدید با مدلول‌های تازه در متن تبدیل شده‌اند. رابطه‌ی بین ژانری نیز در کارکرد مؤلفه‌های بینامتنی در این داستان قابل تأمل است.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی عناصر بینامتنی در داستان مورد نظر، به چگونگی تاثیر این عناصر در فرم آن بپردازد. و بادقت در شیوه‌ی کارکرد نظام نشانه‌ای متون و آثار هنری دیگر در ساختار این داستان، به این سو حرکت کند که در داستان مورد بررسی، مؤلفه‌های بینامتنی چگونه در فرم و ساختار رمان هویت یافته‌اند و چه رابطه‌ای میان عناصر بینامتنی و عناصر اصلی داستان وجود دارد. بدیهی است که مقاله با روش استقرایی و تاکید بر تحلیل داده‌های متن انجام گرفته است.

---

<sup>1</sup> Intertextuality

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌های با موضوع بررسی متون از دیدگاه بینامتنیت، بیشتر در حوزه‌ی ادبیات بزرگسال در ایران انجام شده است. از آن جمله می‌توان به حق شناس (۱۳۸۶)، نامور مطلق (۱۳۸۶)، رضایی دشت ارژنه (۱۳۸۷)، طاهری (۱۳۸۷)، حکمت (۱۳۸۹)، نامور مطلق (۱۳۹۰)، سید حسین سیدی (۱۳۹۰) که در قالب مقاله و کتاب به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند، اشاره کرد. در رابطه با ادبیات کودک و نوجوان؛ باقری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بینامتنیت در فراداستان قلب زیبای بابور نوشته‌ی جمشید خانیان» به بررسی این اثر با دیدگاه کاربرد عناصر بینامتنی پرداخته است. و بر این باور است که فراخواندن متون شناخته شده به این داستان برای پیشبرد فرایند روایت، شکل‌گیری عناصر داستان و القای معانی انجام گرفته است. جلالی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نقد بینامتنیت در ادبیات تطبیقی کودک و نوجوان» به تحلیل سازه‌های بینامتنیت در این گونه آثار با تکیه بر «نویسنده دوم»، «اثر جدید» و «خواننده دوم» پرداخته است. حسام‌پور، اسدی و پیرصوفی املشی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «درنگی بر پیوندهای بینامتنی در داستان در باغ بزرگ باران می‌بارید نوشته‌ی احمد رضا احمدی» به بررسی روابط پنهان این اثر با دیگر آثار احمد رضا احمدی پرداخته‌اند و بینامتنیت در این داستان را نمونه‌ای از بینامتنیت ضمنی که ژنت آن را مطرح کرده است، می‌دانند. غفاری جاهد (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «عناصر بینامتنی و سیال ذهن در آثار احمد اکبرپور و محمدرضا شمس»، آثار این دو نویسنده‌ی کودک و نوجوان را این‌گونه یافته است که احمد اکبرپور بیشترین عناصر بینامتنی آثارش را از فراداستان و فولکلور به وام گرفته است و عناصر بینامتنی در آثار محمدرضا شمس بیشتر شامل باورهای عامیانه، فولکلور و اسطوره‌هاست. جعفری و الله دادی دستجردی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مبانی بینامتنیت ژرار ژنت در رمان نوجوان عقرب‌های کشتی بمبک اثر فرهاد حسن‌زاده»، بر این باورند که نویسنده پیش‌متن‌های اثر را هدفمند انتخاب کرده است. و در به کار بردن پیش‌متن‌هایی از فرهنگ عامه مانند ضرب‌المثل‌ها و کنایات، ترانه‌های رایج زمان و شعارهای انقلاب اهتمام ویژه‌ای داشته است.

در رابطه با داستان مورد بررسی در این مقاله، پژوهشی در زمینه‌ی رویکرد بینامتنی در این اثر انجام نشده است، مرادی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «عناصر غالب معرفت‌شناختی در رمان نوجوان گفت‌وگویی جادوگر بزرگ با ملکه‌ی جزیره‌ی رنگ‌ها نوشته‌ی جمشید خانیان»، به بررسی محدوده‌ی آگاهی و ساختار معرفت در این رمان پرداخته است.